

شیعه‌شناسی اهل سنت و چالش‌های فراروی آن

در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران

جلد اول، کلیات

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۱

فهرست مطالب

ط	سپاسگزاری
۱	مدخل اصول و قواعد مطالعه درباره شیعه
۱۳	توجه به تعارضات درونی جهت یافتن موانع تقریب
۳۱	باورها و عقاید رایج مخالفان تقریب درباره شیعه
۵۱	آشنایی با برخی از علمای تقریب مذاهب اسلامی
۷۷	نقش آثار شیعی در شکل‌گیری شیعه‌شناسی اهل سنت
۸۹	آشنایی با مکتب سلفیه - مثال موردی مصر
۱۰۷	امام خمینی در آثار شیعه‌شناسان مخالف تقریب
۱۲۱	جنبال بر سر صحت برخی از روایات صحیح بخاری
۱۳۳	آشنایی با برخی از مخالفان تقریب مذاهب اسلامی
۲۰۱	درباره آینده شیعه‌شناسی
۲۱۰	کتابنامه

سپاسگزاری

کتاب حاضر، مجلد اول از مجموعه «شیعه‌شناسی اهل سنت» است که به رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، احزاب و گروه‌های سیاسی موافق و مخالف تقریب می‌پردازد. مجلد اول، در ۹ فصل به «مسایل شیعه‌شناسی اهل سنت در دوران معاصر» و «سلفیه و مخالفان تقریب مذاهب اسلامی» می‌پردازد. عناوین فصول آن عبارت‌اند از: (۱) توجه به تعارضات درونی جهت یافتن موانع تقریب، (۲) باورها و عقاید رایج مخالفان تقریب درباره شیعه، (۳) آشنایی با برخی از علمای تقریب مذاهب اسلامی، (۴) نقش آثار شیعی در شکل‌گیری شیعه‌شناسی اهل سنت، (۵) آشنایی با مکتب سلفیه - مثال موردی مصر، (۶) امام خمینی در آثار شیعه‌شناسان مخالف تقریب، (۷) جنجال بر سر صحت برخی از روایات صحیح بخاری، (۸) آشنایی با برخی از مخالفان تقریب مذاهب اسلامی، (۹) درباره آینده شیعه‌شناسی.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از مساعدت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، به ویژه از زحمات حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای علی اصغر اوحدی، که نسبت به انتشار این اثر بذل توجه فرمودند، قدردانی نمایم. ذکر این نکته نیز ضروری است که مسئولیت خطاهای احتمالی، که ممکن است در این اثر راه یافته باشد، کلاً به عهده اینجانب است. بدیهی است که اظهار نظرهای صاحب‌نظران موجب مسرت و امتنان خواهد بود. از خدای بزرگ مسئلت دارم که در ادامه این راه توفیق بیشتری عنایت فرماید و این خدمت به قرآن و اسلام و شیعه را از ما بپذیرد. «إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ»

در خاتمه، از همکاران خوب خود در واحد انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به ویژه جناب آقای ناصر زعفرانچی مدیر محترم آن انتشارات و نیز سرکار خانم خوری و جناب آقای عرفان بهاردوست که در صفحه‌آرایی کتاب یاری رسانده‌اند، تشکر می‌کنم و از خداوند متعال توفیقات روزافزون ایشان را مسئلت دارم.

کامیار صداقت ثمرحسینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بهار سال ۱۳۹۱

مدخل

اصول و قواعد مطالعه درباره شیعه شناسی اهل سنت

www.ketab.ir

مدخل

شیعه‌شناسی مباحث اهل سنت، یکی از موضوعات مهم مطالعات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. ایران کشوری اسلامی است و جز جمهوری ارمنستان، تمامی همسایگان آن دارای اکثریتی قریب به اتفاق مسلمان هستند و در آنها شیعه و اهل سنت زندگی می‌کنند. این چنین اگر پیوندهای ایران با دیگر کشورهای جهان مورد توجه قرار گیرد، بی‌شک، مطالعه درباره مذاهب اسلامی، به ویژه با رویکرد تقریب مذاهب اسلامی، اولویت اول مطالعاتی آن خواهد بود. ایران ناگزیر از تعامل با دیگر کشورهای اسلامی است و سرنوشتی که برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا رقم می‌خورد؛ خواه‌ناخواه بر آن تأثیرگذار است.

علاوه بر ضرورت‌هایی که زندگی در منطقه و در جوار همسایگان اقتضا دارد، باید به اعتقاد به امت واحده اسلامی و اهمیت وحدت اسلامی نیز اشاره کرد؛ چرا که قدرت مسلمانان در باهم بودن آنهاست:

مورچگان را چو بُود اتفاق شیر زبان را بفرانند پوسته

و این چنین است که اسلام بر وحدت و دوری از تفرقه تأکید دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقِيمُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِينَ مَرْضُوعًا» (قرآن مجید، فتح، ۲۹) و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «عَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبُ الْقَاصِيَةَ». (مسند احمد، ج ۶ ص ۴۴۶)

و حضرت علی (علیه‌السلام) در میان امت رسول الله، بیش از همه، به دنبال وحدت و الفت میان مسلمانان بودند. چنانکه فرمودند: «و لَيْسَ رَجُلٌ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مَحْمُودٍ وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي». بنابراین اولویت اصلی اندیشمندان جهان اسلام، وحدت و همدلی است و از آنجا که شناخت درد مقدم بر درمان آن است، درمان تفرقه در گرو شناخت صحیح عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری آن است.

از سوی دیگر مخالفان وحدت اسلامی و به ویژه غربیان، کوشیده‌اند تا جهت کسب و تداوم منافع نامشروعشان، با شناخت زمینه‌های اختلاف در جوامع اسلامی، به اختلاف میان مسلمانان دامن بزنند. بنابراین پیش از آنکه دشمنان نقاط ضعف و قوت مسلمانان را شناسایی کنند، باید مسلمانان خود بدان بپردازند. البته در میان پیروان همه مذاهب اسلامی، عده‌ای مخالف تقریب مذاهب اسلامی و در نتیجه وحدت و همکاری اسلامی هستند. این امر دلایل مختلفی دارد. برخی از این دلایل درونی است که از زمره آنها می‌توان به عدم اطلاع کافی از مبانی تقریبی اسلام، روحیه پذیرش جزئی در قبال صحت برخی از متون، عدم ترک صحیح از وضعیت جهان اسلام و مخاطرات فراروی آن، و نیز ترجیح دادن منافع سیاسی فردی و گروهی (در برابر منافع جمعی مسلمانان) اشاره کرد. برخی دیگر از دلایل مذکور، دلایلی بیرونی است و عمدتاً به نقش استعمارگران غربی مربوط می‌شود که جهان اسلام را به مناطق نفوذ خود تقسیم کرده‌اند. البته این گمان که هر که مخالف تقریب مذاهب اسلامی باشد، بی‌تردید دست‌نشانده استعمار غربی است، صحیح نیست؛ اما باید توجه داشت که استعمارگران غالباً به صورت مستقیم وارد عمل نمی‌شوند و اتفاقاً با آگاهی بر زمینه‌های تفرق و تشاد، ترتیبی می‌دهند تا مسلمانان خود به جان هم بیفتند؛ بی‌آنکه بدانند اصل ماجرا از چه قرار بوده است. از این‌رو در حال حاضر عمده مخاطرات جهان اسلام، ناشی از جهل مسلمانان نسبت به دشمنانشان نیست، بلکه ناشی از عمل نکردن آنان به علم خود است.

جامعه‌شناسان در تعریف جامعه گفته‌اند که جامعه متشکل از افرادی است که با اهداف و منافع مشترک، جهت رفع نیازهای خود با یکدیگر «رابطه» برقرار می‌کنند. از این‌رو در فضای مفهومی اصطلاح جامعه، «وجود روابط میان انسانها»، «نیاز انسانها به برقراری روابط بین خویش»، «برقراری قواعد و سلسله مراتبی برای تنظیم این روابط» دیده می‌شود. (نک: رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۵) تشکیل جامعه بدون وجود اعضاء و وجود ارتباط متقابل میان آنها ناممکن است. در اینجا تنها جمع شدن عده‌ای از افراد مطرح نیست، بلکه در کنار آن باید «تعاون» و به تعبیر ابن مسکویه «تضافر» (پشت هم ایستادن) شکل پذیرد. در اندیشه اسلامی تعاون بر پایه حق مشروعیت می‌یابد. امام علی (علیه‌السلام) در خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه، پس از مذمت اقراط و تفریط کنندگان در حق خویش، می‌فرماید:

فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَأَيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةُ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ
كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّئْبِ. دست خدا (یاری خدا) بر سر جماعت است.
آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است. چنانکه گوسفند

چون از گله دور ماند، نصیب گرگ بیابان است. (نهج البلاغه: ۱۳۶۸: ۱۲۵)

هر چه پیوندهای جامعه بیشتر باشد، احتمال بقای آن نیز بیشتر است و هر چه پیوندهای موجود در یک جامعه کمتر شود، احتمال فروپاشی آن بیشتر می‌شود. بنابراین اندیشه تقرب و وحدت اسلامی، اندیشه‌ای برای بقای عزت‌مندانه مسلمانان است.

کتاب حاضر به دو دسته دیدگاه‌های موافقان و مخالفان تقرب مذاهب اسلامی از برادران اهل سنت می‌پردازد و البته تأکید دارد گوینده «شهادتین»، هرچند مخالف شیعه و یا تقرب مذاهب اسلامی باشد، مسلمان است و به حکم اسلام، جان و مال و ناموس او محترم است. و اگر مورد حمله دشمنان اسلام واقع شود وظیفه هر مسلمانی است که در حد توان و بضاعت خود به او یاری رساند. چنانکه برخی از مراجع عالیقدر شیعه، «حسن معاشرت» با گوینده شهادتین حتی اگر شیعیان را کافر بدانند، لازم شمرده‌اند. (نک: فصل چهارم) البته هرکس هم که مرتکب جرم و جنایتی نظیر ترور و بمب‌گذاری و مانند آن شود، باید مطابق شریعت اسلامی مجازات شود و این معنا نیز شیعه و سنی نمی‌شناسد.

با این توضیح، باید با موافقان و مخالفان تقرب مذاهب اسلامی آشنا شد. آنها درباره شیعه و تقرب مذاهب اسلامی چگونه فکر می‌کنند و معمولاً از چه خاستگاه‌های جغرافیایی و فکری برخاسته‌اند. و نیز آنکه آیا مشکل مخالفان تقرب مذاهب اسلامی صرفاً با شیعه است و یا آنکه با سایر فرق و مذاهب اسلامی و مشرب‌های فکری مسلمانان، دچار تعارض و اختلاف هستند؟ این‌گونه تأملات امکان‌ات خوبی را جهت شناخت نقاط ضعف و قوت مسلمانان نشان می‌دهند و صورت مسئله‌های نوینی را در این حوزه مشخص می‌کنند که بی‌تردید از شروط انجام آن، توجه بیشتر به منبع‌شناسی است.

در اینجا مناسب است تا به اختصار به برخی از نکات و لوازم مطالعه درباره شیعه‌شناسی اهل سنت اشاره شود. آنها عبارت‌اند از:

۱. رعایت ادب و اخلاق اسلامی لازمه انجام هر پژوهشی است ولی قبح عدم رعایت آن در پژوهش‌های دینی و اسلامی مشهودتر است. بررسی درباره اختلافات درونی پیروان سلفیه و یا اختلاف میان پیروان سلفیه و صوفیه و مانند آن، باید با رعایت اخلاق و ادب همراه باشد.

۲. در میان پیروان همه مذاهب اسلامی افرادی هستند که معتقد به تقرب مذاهب اسلامی نیستند و نباید به استاد اعمال و رفتار آنان، به قضاوت درباره معتقدان به تقرب مذاهب اسلامی پرداخت. و البته باید داشت که مخالفان تقرب نیز شامل طیف‌های فکری

مختلفی هستند و اینگونه نیست که باب گفت‌وگو با تمامی آنها بسته باشد. اگر چه عده‌ای از آنان راه عناد را در پیش گرفته‌اند؛ اما شمار بسیاری از آنان نیز هستند که اقوال و استدلال‌ها را می‌شنوند و بهترین‌شان را انتخاب می‌کنند. در اینجا اهمیت منبع‌شناسی به منظور تفکیک دسته‌بندی‌های فکری مقابل یکدیگر ملموس‌تر می‌شود. در صورت چنین تمیزی بسیاری از سوء تفاهم‌های حاصله از میان خواهد رفت.

۳. پژوهشگر باید جایگاه تاریخی نگارش هر منبع در حوزه شیعه‌شناسی را مورد توجه قرار دهد. برای مثال بداند که نویسنده مورد نظر، اثرش را در چه شرایط اجتماعی و سیاسی تألیف کرده و در مقام پاسخ دادن به چه ادعایی بوده است؟ آیا شرایط و مخاطبانی خاص مورد توجه او بوده‌اند و یا آنکه وی اثرش را برای همه و در همه زمانها و مکانها صادق می‌داند؟ برای مثال فرض شود که کتابی درباره تکفیر پیروان مذهب شیعه نوشته شده است. بدیهی است که ردیابی که بر آن کتاب نوشته می‌شود، باید در سیاق آن اثر ارزیابی شود. در صورتی که این موضوع مشخص شود بسیاری از سوء تفاهم‌ها از میان خواهد رفت.

۴. رجوع به منابع و مصادر اصلی پیروان هر یک از مذاهب اسلامی برای شناخت اعتقادات آنان لازم است، ولی علاوه بر آن، باید به تفسیرها و برداشت‌های مورد اجماع علمای آن مذهب از آن منابع و مصادر رجوع شود. پس نباید شیعه به مجموعه‌ای از روایات اهل سنت و یا سنی به مجموعه‌ای از روایات شیعه استناد کنند تا به خیال خود اعتقاد به تحریف قرآن در نزد دیگری را اثبات کنند. در حالی که هیچ‌یک از آن دو معتقد به چنان برداشت ناروایی از آن روایات و یا قائل به صحیح آن روایات نیستند. پیروان مذاهب اسلامی برای درک متقابل از یکدیگر، باید از منابع روایی هم استفاده کنند و تفاسیر و دیدگاه‌های خود را با بیان دیدگاه‌های رقیب و در نظر گرفتن تحریف‌ها، مخالف، بسنجند و بیان کنند و بی‌دلیل، پندار و گفته خود را به منزله اعتقاد دیگران نهند.

۵. زبان تقریب مذاهب اسلامی، زبانی جهانی و قابل فهم برای همه پیروان مذاهب و نه تنها برخی از آنهاست. بنابراین باید به زبانی قابل فهم برای همه سخن گفت و منابع مشترک اسلامی (مانند منابع روایی مشترک) را توسعه داد. تفاوت در منابع مورد استفاده یکی از عوامل بروز اختلاف نظر است. و نیز باید از رفتار دوگانه پرهیز کرد. یعنی بدون ملاحظه انواع وابستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی، خوبی و عدالت را تحسین کرد و بدی و ظلم را تبیح کرد. این دقیقاً بر پایه خطاب اسلام است که: «شامل همه مسلمانان با هر مذهبی می‌شود و جدا کردن اتباع هر مذهب از سایر مذاهب بی معنی است. بنابراین همکاری،

حقوق متقابل و مسئولیت‌های عمومی، شامل همگان می‌شود.» (تسخیری، ۱۳۹۰: ۲۹۲)

۶. تکیه بر مصادر اصلی مذاهب اسلامی و نیز اقوال دانشمندان اسلامی نباید به روحیه پذیرش جزمی کتابی منجر شود و به تدریج محقق را از حقیقت دور کند. در این کتاب به رساله‌ای از شیخ عبدالله الامام از علمای سلفی یمن (از شاگردان وادعی و مکتب آلبنی) استناد شده است که می‌پندارد ازدواج جن و انس مهم‌ترین معضل زندگی مسلمانان است. البته جن همانا حقیقتی قرآنی است و در خلقت آن تردیدی نیست، نیز برخی از فقهای همه مذاهب گاه وارد چنین موضوعی شده‌اند، اما آیا در حال حاضر مشکل جهان اسلام، مشکل تربیت فرزندان حاصله از چنین ازدواج‌هایی است؟ در رساله او حتی یک مورد شاهد زنده از این ازدواج‌ها و یا کودکان حاصل از آن دیده نمی‌شود. اما به اتکای آنچه از ابن تیمیه و دیگران نقل می‌کند، که آنها هم از افراد معتمد خود شنیده‌اند، شکی در صحت ادعایش ندارد. او واقعاً خیال می‌کند که مشکل جهان اسلام چنین ازدواج‌هایی است و البته مشکلات واقعی جهان اسلام از قبیل تفرقه، ظلم و فساد حاکمان وابسته به قدرت‌های غربی را نمی‌بیند. همین اتفاق در شیعه‌شناسی برخی از شیوخ سلفی دیده می‌شود. آنها بی‌اعتنا به واقعیت‌های موجود تنها بر اساس پاره‌ای از پیش‌فرض‌های ذهنی نادرست منتقل شده از گذشتگان، به جای نقد جهان باورهای، بر گسترش آنها تاکید می‌کنند.

۷. در ستیزه‌های رسانه‌ای کوشش می‌شود تا دیدگاه‌های مورد نظر در قالب باورهای غالب، مطرح شوند و دیدگاه‌های دیگر در حاشیه و یا در ذیل آن تعریف شوند. بنابراین موفقیت گفتمانی یک دیدگاه تا حدود زیادی به ابزار قدرت و رسانه مربوط است و هدف اصلی از آن، تأثیرگذاری بر باورهای عمومی است. در چنین مواردی باید کلیت گفتمان را به چالش کشید و نقد را صرفاً به یک کتاب و یا جزوه خلاصه نکرد.

۸. سخن افراد لزوماً موضع مذاهبشان نیست. مواضع افراد با معیارهای متقن مذاهبشان ستجیده می‌شود و نه آنکه مذاهب بر پایه دیدگاه‌های پیروانشان دائماً در حال تغییر باشد. همچنین نباید با مشاهده اعمال و رفتار برخی از پیروان مذاهب اسلامی (استقرای ناقص)، حکم کلی درباره آن مذاهب و پیروان آن صادر کرد. برای مثال برخی از مسلمانان تحت تأثیر اغوای فرهنگی غرب، به اخذ شیوه‌های زندگی غربی روی آورده‌اند. شیوه زندگی آنان ملاک ارزیابی شریعت نیست. این شریعت است که ملاک ارزیابی و قضاوت درباره زندگی و اعمال و رفتار آنان است.

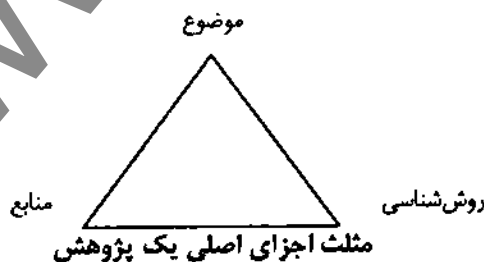
۹. علاوه بر شناخت وجوه اشتراک نظر، شناخت اختلافات درونی موجود میان پیروان

مذاهب اسلامی جهت توسعه همکاری‌ها لازم است. به ویژه آنکه راهبردشناسان غربی کوشش می‌کنند تا بر زمینه‌های اختلاف در جهان اسلام احاطه یابند. در شناخت اختلاف باید اولاً دیدگاه عامه را از دیدگاه علمای مذهب جدا کرد و ثانیاً نقد درباره اشتباهات علمی را از نقد درباره انحرافات اعتقادی و اتهام ضلالت به یکدیگر بازشناخت و تمیز داد.

۱۰. برخی از قواعد عمومی روش تحقیق همچون هر پژوهش دیگر در نتیجه شیعه‌شناسی تأثیر گذار است. از زمره قواعد مذکور عبارت‌اند از:

- قاعده اگر نقل کننده هستی پس سند.
- قاعده اگر مدعی هستی پس دلیل.
- قاعده الزام به بیان حقیقت و تمام حقیقت. (آنچه که ناگفتنش موجب انحراف مسیر پژوهش می‌شود)
- مطالعه انتقادی به مثابه تأسیس یک قاعده کلی در الزام به مدح خوبی‌ها و ذم بدی‌ها؛ از هر که باشد، و عدم تبدیل نقد به ابزاری برای عیب‌جویی.

۱۱. علم به اعتباری شامل موضوع، منابع (داده‌ها) و روش تحلیل آن داده‌هاست. برخی از اندیشمندان مسلمان (شیعه و یا اهل سنت) حداقل در یکی از سه عرصه مذکور، متأثر از جریانهای فکری مغرب زمین بوده‌اند. این موضوع در شیعه‌شناسی اهل سنت هم دیده می‌شود. این امر دلایل مختلفی دارد که از زمره آنها می‌توان به تأثیرپذیری از سنت‌های مطالعاتی شرق‌شناسی بر اثر نهضت ترجمه، اعزام دانشجویان مراکز فرهنگی و آموزشی غرب، ورود اساتید غربی به جهان اسلام، سیاست دولت‌های غرب‌زده در جهان اسلام و مانند آن اشاره کرد.



برای مثال، نصر حامد ابوزید (۱۹۴۹ - ۲۰۱۰ م) که روش تفسیر او از قرآن که متأثر از سنت‌های تفسیری غربی است و موجب تکفیرش که شرح مفصلی از آن در کتاب (تفکر در عصر تکفیر) و نیز در ضمیمه کتاب معنای متن، پژوهشی در علوم قرآن (ابوزید، ۱۳۸۷:

بهترین دلیل ما وضعیتی است که اکنون در عراق در جریان است و آن به واسطه اقدام ایران در صدور نزدیک به چهار میلیون شیعی جهت تغییر ترکیب اهالی عراق ایجاد شده است. از زمره اینان صدهزار زنی هستند که جهت نیل به نتیجه نهایی که ازدیاد تعداد شهروندان در جنوب عراق مطابق منافع ایران شیعی است، با حربه متعه به ازدواج عراقی درآمده‌اند. (هیئة الدفاع عن العروبة، ۲۰۰۷: ۷-۸)

براستی نویسنده چه تصویری از اعدادی چون «صدور چهار میلیون نفر!» یا «یکصد هزار نفر زن ایرانی» که به خاطر «منافع سیاسی ایران» جهت «متعه» به عراق اعزام شده‌اند! دارد؟ چگونه آنها می‌توانند با ناچیز شمردن سطح فهم و شعور مخاطبش چنین ادعاهای عجیب و غریبی را مطرح کنند؟ در مجلد دوم این اثر اشاره خواهد شد که «دقت‌نمایی» شیوه‌ای رایج در سبک‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی است که در جنگ روانی مخالفان تقریب مذاهب اسلامی بر ضد شیعیان کاربرد وسیعی دارد. یکی از عواملی که موجب می‌شود تا نظراتی چنین سخیف مطرح شوند، دو قطبی کردن جامعه بر پایه مذهب و از میان بردن فرهنگ تقریب است که عوام را مهبیای پذیرش هر ادعایی بر علیه مذهب مقابل می‌کند. چرا که هر یک دیگری را غوطه‌ور در هاله‌ای از ارزش‌های متفی و ناپسند می‌بیند و چنین وضعیتی همانا مجرای ورود استعمار است.

۱۳. در برخی از آثار شیعه‌شناسی مسایل سیاسی و نیز قومی و نژادی بر مباحث علمی و اعتقادی تحمیل شده‌اند. نمونه بارز آن در آثار مورد حمایت رژیم صدام حسین و یا رژیم آل خلیفه (بحرین) بر ضد شیعه و ایران دیده می‌شود. آثاری از قبیل «و جاء دور المَجُوس» و یا «الله ثم للتاریخ» در وهله اول آثاری سیاسی‌اند تا اعتقادی.

۱۴. حق پیروان هر مذهبی است که در پاسخ به دیدگاه‌های دیگران، به اشکال مختلف (نگارش کتاب، مقاله، ایراد سخنرانی و ...) اظهارنظر کنند. نقد آثار تبلیغاتی و یا علامه شرف‌الدین عاملی (همچون کتاب المراجعات) توسط برادران اهل سنت، فی‌نفسه مغایر با آرمان تقریب نیست، چنانکه غالب آثار علامه سید مرتضی عسکری نیز بر مقام پاسخ به نظرات برخی از نویسندگان سنی درباره شیعه بوده است. اما نباید پاسخ به یکدیگر، با تکفیر و توهین و مجوس و یهود و نصاری خواندن میلیون‌ها مسلمان همراه باشد. علم و نقد علمی معیارهای سنجش شناخته‌شده‌ای دارد که باید با رعایت اخلاق اسلامی بدان عمل کرد به بیان آیت الله تسخیری:

تقریب به معنای شانه‌خالی کردن و عدم دفاع از مذهب و حقیقت تاریخی در نظر اتباع آن نیست؛ بنابراین، پژوهش عقایدی و تاریخی مانعی ندارد؛ مشروط بر اینکه در فضای

آکادمیک مناسب و در چارچوب برادری و حیاء و ادب صورت گیرد. (تسخیری، ۱۳۹۰:

۲۹۲-۲۹۳)

۱۵. یکی از روش‌های آشنایی با اندیشه هر متفکری، قرار دادن آن در معرض مقایسه با دیگر اندیشه‌های هم‌سنگ آن و یا مطالعه آن از خلال اختلافاتی است که درباره یک موضوع موجود است. اختلافات کوچک و بزرگ در میان علمای همه پیروان مذاهب اسلامی موجود است و مطالعه آن باید برای نیل به حل مسئله باشد و نه دامن زدن به تفرقه، که به تفسیر رسای قرآن: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (قرآن مجید، انفال: ۴۶)

پی‌نوشت

۱. مکتب هرمس از تلاقی تمدنهای یونانی و مصری در اسکندریه ایجاد شد. سید حسین نصر نشان می‌دهد که چنین اعتقادی با هفت ترجمه متون فلسفی در دوران عباسیان وارد جهان اسلام شد. در زمینه هرمس و نوشته‌های هرمسی در جهان اسلامی نک: (نصر، ۱۳۴۸: ۵۹ - ۹۰)